

## زبان فارسی در عتبات عالیات (۲۱-۱۳۰۲ ش)

### چکیده:

قرارداشتن مکانهای مقدس شیعیان در سرزمین عراق سبب شده است ایرانیان روابطی دیرینه و محکم با مردم ساکن این منطقه به ویژه شیعیان عراق داشته باشند. ماندگاری ایرانیان فارسی‌زبان در عتبات عالیات و ایجاد ارتباط با مردم و به ویژه شیعیان سبب گسترش زبان فارسی می‌شود، اما دولت انگلیس و دولتهای دست‌نشانده عراق این امر را در برابر منافع خویش می‌دیدند، پس کوشیدند با ایجاد موانع مختلف مانع استفاده از این زبان در عراق شوند و در این راه چنان پیش رفتند که حتی خواندن ذکر مصیبت و روضه‌خوانی برای فارسی‌زبانان را به زبان فارسی ممنوع کردند.

کلید واژه: ایران، عراق، زبان فارسی، عتبات عالیات، شیعیان.

## مقدمه

زبان عربی در میان علما و واعظان شیعه، زبان دین به شمار می‌رود و ویژگی مقدسی دارد و به دلیل آنکه بیش از نیمی از شیعیان فارسی زبان‌اند، زبان فارسی برای ابلاغ دستورهای دینی، از جایگاهی ویژه برخوردار است. افزون بر آن، برگزاری مراسم مذهبی مانند ذکر مصیبت ائمه اطهار موجب شده است دینداران هر چه بیشتر این زبان را به کار برند و واعظان و خطبای شیعه برای برقراری ارتباط معنوی با مخاطبان فارسی‌زبان، از این زبان استفاده کنند. (مسکوب، ۱۳۷۹، ص ۹۰ تا ۱۴۳).

## زبان فارسی در عراق

از دیرباز حضور ایرانیان شیعه در عراق، به‌ویژه اقامت علما و مجتهدان فارسی‌زبان در مدرسه‌ها و حوزه‌های علمیه عتبات عالیات، سبب رواج هرچه بیشتر این زبان در برخی از شهرهای عراق شده است.

به‌کارگیری گسترده زبان فارسی در عتبات عالیات چندان بوده که خشم دولتهای عرب سنی حاکم بر عراق را برانگیخته است. این دولتها گذشته از مواضع ضدشیعی و اختلاف نظر مذهبی، از بعد ملی نیز نمی‌توانستند زبان فارسی را به عنوان نماد ایرانی بپذیرند حال آنکه این زبان در عمل زبان نخست شیعیان ساکن در عتبات بود.

حکومت تازه‌تأسیس عراق که دست‌نشانده بریتانیا بود می‌کوشید یک نظام سیاسی در متصرفات پیشین عثمانی به وجود آورد اما ارتباط نیرومند معنوی و اقتصادی مردم بین‌النهرین و عتبات عالیات با شیعیان ایرانی را مخالف بنیانهای جدید حکومت خود می‌دید، بنابراین هر آنچه را با ایران در ارتباط بود نفی می‌کرد. یکی از این موارد، مدرسه‌های ایرانی در عراق بود. دولت عراق در این زمینه به مدرسه‌هایی مانند مدرسه علوی در نجف اشرف، مدرسه حسینی در کربلا، مدرسه شرافت ایرانیان در بغداد، مدرسه اخوت در کاظمین و مدرسه‌ای در بصره که ویژه ایرانیان بود توجه کرد.

در سال ۱۳۰۷ ش/ ۱۳۴۶ ق. دولت ایران برای یاری رساندن به آموزش فرزندان ایرانیان

در عراق کمک‌هزینه‌ای را تصویب کرد اما این مسئله موجب حساسیت عراقیها شد. روزنامه‌  
الاستقلال چاپ بغداد در جمادی‌الاول ۱۳۴۶/آبان ۱۳۰۷ به این امر واکنش نشان داد و در  
مقاله‌ای با نام «حکومت ایران و عراق، تضییقاتی که متضمن معنی است» به کار دولت ایران و  
این مدرسه‌ها حمله کرد و از اولیای حکومت عراق خواست مدرسه‌های بیگانگان را بیشتر کنترل  
کند زیرا معتقد بود که این مدرسه‌ها اهداف سیاسی دولت ایران را پیگیری می‌کنند.  
(کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳ تا ۲۱۵).

حکومت عراق افزون بر حساسیت نسبت به فعالیت مدرسه‌های ایرانی، در فاصله  
سالهای ۱۳۰۴-۱۳۰۷ کوشید از حمل پرچم شیروخورشید (نشان ایران) در جلوی دسته‌های  
مذهبی در عتبات جلوگیری کند و سرانجام به بهانه اینکه این پرچم، پرچم حکومت ایران است  
مانع این کار شد. (آذری شهرزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲ تا ۱۸۰).

دولت عراق پس از موفقیت در جلوگیری از حمل و نصب پرچم شیروخورشید ایران در  
مراکز مذهبی و اقتصادی عتبات عالیات، به سراغ دیگر نشان ایرانی رفت که همانا زبان فارسی  
بود، در حالی که دانستن زبان فارسی در عتبات به سبب حضور تاریخی زوار و سخنوران ایرانی  
و یادگیری و کاربرد آن در مراکز اقتصادی و بازار عتبات برای هر نوع ارتباط، معامله و تبادل  
اقتصادی، ضروری بود.

زمره‌های مخالفت با زبان فارسی نخست در روزنامه‌های بغداد منعکس شد. روزنامه  
الناشئة الاسلامیه چاپ بغداد در تاریخ ۵ صفر ۱۳۵۷/۱۷ فروردین ۱۳۱۷ در مقاله‌ای با نام «زبان  
ما در کربلا» به کاربران زبان فارسی حمله کرد و استفاده از آن را نافی هویت عربی دانست و نوشت:  
«... در آن شهر فامیل‌های عربی اصیلی از نسل علوی هاشمی زندگانی  
می‌نمایند که اگر با آنها صحبت کنید با این زبان خارجی [یعنی فارسی] پاسخ  
می‌دهند و اگر بخواهید که به زبان اجداد و پدران خود گفتگو نمایند در  
جواب به زبان رکیک و مبتدلی که آثار عجمه از آن ظاهر است اظهار  
می‌دارند که کلیه نوکران و دایگان ما به همین زبان صحبت می‌کنند. چه عذر  
غیرمشروعی و علت پستی است.» (اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۱۷ش، ک ۱۶.

پوشه ۱۱).

سفارت ایران نیز گسترش زبان فارسی را در عتبات تأیید کرد و در سال ۱۳۱۷ش. در گزارشی به وزارت امور خارجه نوشت:

«... به اندازه‌ای عده ایرانیان مقیمین کربلا زیاد است که حتی اعراب و خانواده‌های مهم کربلا هم به زبان فارسی صحبت می‌دارند و عربهایی که بخواهند به زبان عربی صحبت کنند لهجه آنها مخلوط به فارسی است و از این جهت جراید عراق گاه و بی‌گاه از این وضعیت انتقاد می‌نمایند.» (همان، ۱۳۱۷ش، ک ۱۶، پوشه ۱۱).

ناخرسندی حاکمان عرب از این وضع موجب شد در اقدامی که به نظر متأثر از نپذیرفتن واقعیت‌های اقتصادی و ارتباط مادی و معنوی ساکنان عتبات با ایرانیان و زبان فارسی بود، با به کارگیری این زبان مقابله کنند.

با فرا رسیدن ایام محرم و مسافرت زوار ایرانی به کربلا در سال ۱۳۱۹ش. شهربانی کربلا به همه واعظان و روضه‌خوانها که در صحن مطهر به منبر می‌رفتند دستور داد به زبان عربی روضه بخوانند. کنسول ایران در کربلا به اشتباه تصور می‌کرد مسئول صدور این دستور، عبدالله علوان، متصرف کربلا، است (همان، ۱۳۱۹ش، ک ۶۳، پوشه ۳)، در حالی که پایه رویارویی با نمادهای ایرانی، سیاست حکومت عراق بود که به گونه‌ای تدریجی، ملایم و مداوم باید اجرا می‌شد. البته سفارت ایران از اقدامهای دولت عراق بی‌خبر نبود و وزارت امور خارجه را در جریان وقایع و مسائل مرتبط قرار می‌داد. کنسول ایران در کربلا در گزارشی درباره منع روضه‌خوانی به زبان فارسی نوشت:

«... مطابق معمول همیشه در حریمهای مطهر حضرت سید شهادت و حضرت عباس به زبان فارسی روضه‌خوانی [می‌شد] و در هر گوشه حرم و مساجد حرم دائماً از طرف اشخاص روضه و مرثیه خوانده می‌شد و همچنین یکی دو نفر مداح شبها و صبح‌ها در صحن مطهر مدیحه‌سرایی می‌نمودند؛ دو سه روز است که از طرف اداره اوقاف امر و قدغن شده است

[که] کسی حق ندارد در صحن و یا حرم مطهر به زبان فارسی روضه خوانی و یا مدیحه سرایی نماید و از همه روضه خوانها و وعاظ التزام گرفته‌اند که به زبان ایرانی روضه نخوانند.» (همان، ۱۳۲۱ش، ک ۵۵، پوشت ۱۲).

دیپلماتهای ایرانی برای رویارویی با این برخورد مقامهای عراقی که تأثیر منفی بر زوار ایرانی داشت کارهایی انجام دادند. منشی کنسولگری ایران در کربلا بی‌درنگ با استاندار کربلا دیدار کرد و کارهای نادرست مقامهای عراقی را مانع حسن هم‌جواری و دوستی ایران و عراق و موجب تأثیر منفی دانست. متصرف کربلا در پاسخ گفت:

«... این کار تازه نیست؛ از زمان متصرف سابق همچو [چنین] امری از بغداد رسیده بود و چون هنوز ناسخ آن نیامده اداره اوقاف امریه سابق را تأیید نموده است...» (همان، نامه شماره ۵۸۲).

وزیر مختار ایران در بغداد با صالح جبر، وزیر کشور عراق، دیدار و از وی درخواست کرد دستورهای لازم را در مورد لغو امریه اداره اوقاف صادر کند. (همانجا).

همزمان با اقدامهای کنسولگری ایران در کربلا و وزیر مختار ایران در بغداد، علمای کربلا آقایان شیخ احمد حائری و سید عبدالحسین حجت طباطبایی با متصرف کربلا گفتگو کردند و خواستار لغو دستور اداره اوقاف شدند. به گزارش سفارت ایران، آیت‌الله سید هبة‌الدین شهرستانی، (یکی از مراجع عتبات) به کربلا رفت و با متصرف آنجا مذاکره و پیامدهای ناگوار اجرای آن دستور را گوشزد کرد و یادآور شد:

«... در بنایی ایرانی، روی فرش ایرانی، زیر سقف ایرانی، زبان ایرانی را نباید منع نمود.» (همان، نامه شماره ۸۰۳).

کوششهای سفارت و علما مؤثر بود و متصرف کربلا قول داد دستورالعمل صادره را لغو کند. (همانجا). مدتی نگذشت که آیت‌الله شهرستانی به کنسول ایران اطلاع داد:

«امروز مدیر اوقاف نزد ایشان [یعنی آیت‌الله شهرستانی] آمده و اظهار داشت منع مرتفع گردید و روضه خوانها مجازند که باز به زبان فارسی روضه خوانی نمایند.» (همانجا).

پس از چند روز، روضه خوانی و مدیحه سرایی به زبان فارسی در صحن و حرم مطهر رواج یافت.

### نتیجه گیری

اگرچه این بار مناقشه‌ای که برای محدود کردن زبان فارسی به وجود آمد حل و فصل شد، تحمل نکردن پیوند میان شیعیان ساکن عتبات و ایرانیان، وجه مشترک دولتهای عراق پس از استقلال بود و این دولتها با کارهای تدریجی توانستند روابط مادی و معنوی شیعیان عراق و ایران را کامل کنترل کنند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

کتابنامه:

۱. آذری شهرضایی، رضا، «شیروخورشید علوی در عتبات عالیات و مخالفانش»، فصلنامه گفتگو، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۵.
۲. پایگانی اسناد وزارت امور خارجه، اسناد قدیمه، سال ۱۳۱۷، کارتن ۱۶، پوشه ۱۱.
۳. همان، اسناد قدیمه، سال ۱۳۱۹، کارتن ۶۳، پوشه ۳.
۴. همان، اسناد قدیمه، سال ۱۳۲۱، کارتن ۵۵، پوشه ۱۲.
۵. کوهستانی نژاد، مسعود، چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت خارجه، ۱۳۸۴.
۶. مسکوب، شاهرخ، هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران: فرزاد، ۱۳۷۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی